

۲۵۳ - ای نجوم بازغه افق محبت الله الحمد لله از پرتو شمس حقیقت در خاور و باختر درخشنده‌اید و چون سراج نورانیه در انجمن عالم روشن و تابنده از رشحات سحاب فیض ابدی مانند گل و ریحان پرتراوت و لطافتید و از فیوضات نور حقیقت مانند رخسار مهرویان پرحلاوت و ملاحت در لوح محفوظ امکان آیات باهره‌اید و در رق منشور لامکان بینات زاهره مظاهر آثار توحیدید و مطالع انوار تفرید جمیع از فیض ابدی آن نور مبین با بهره و نصیبید و مانند آئینه صافی از فیض آفتاب جهان الهی روشن و منیر پس بجان و دل بکوشید و سعی بلیغ مبذول دارید که روز بروز آئینه دلها جهان افروز گردد و انوار حق بتابد و جهان آفرینش آرایش تازه یابد ای احبای الهی آن مربی یزدانی جمیع ما را بتزیت الهی پرورش داد و تعالیم آسمانی تعلیم کرد تا هر یک بمثابه شمعی در محفل عالم شاهد انجمن گردیم و بانوار انقطاع و انجذاب و عرفان و محبت یزدان مزین شویم و سبب نورانیت این جهان ظلمانی گردیم رایت تقدیس برافرازیم و نفحات قدس منتشر کنیم جنود نجات شویم و سبب حیات کائنات گردیم آن شجره مبارکه بر ما سایه افکند و آن عنقای مشرق احدیت ما را در ظل جناح خویش در آورد و بعنایت و موهبت زاید الوصف تربیت نمود آیا سزاوار است که بعد از پروازش بجهان پنهان دمی آسایش و راحت جوئیم و یا سر ببالین سکون و استراحت گذاریم؟ لا و الله این سزاوار نیست و لایق بنده وفادار نه بلکه مقتضی آنست که بکلی خود را فراموش کنیم و از راحت و آسایش و رفاهیت و لذت و نعمت این جهان فانی چشم پوشیم بکلی گرفتار او گردیم جانفشانی کنیم و در قربانگاه عشق قربانی آرزو نمائیم و تا نفس اخیر در سبیلش گردن را سزاوار غل و زنجیر بینیم و تسلیم تیغ و شمشیر کنیم تا از روحانیان جهان جاودان گردیم و از محرمان خلوتگاه یزدان و چون آهنگ ارجعی الی ربک راضیه مرضیه بگوش رسد رقص کنان و پاکویان و کف زنان و یا بشری لی یا بشری لی گویان بخلوتگاه آن یار مهربان پرواز نمائیم